

# کاخ سرنوشت‌های متقاطع

نویسنده  
ایتالو کالوینو

مترجم  
محیا بیات

## فهرست

- ۷.....مقدمه‌ی نویسنده
- ۱۵.....کاخ سرنوشت‌های متقاطع
- ۱۷..... کاخ
- ۲۳.....داستان مجازات ناسپاس
- ۳۳.....داستان کیمیاگری که روحش را فروخت
- ۴۱.....داستان عروس نفرین شده
- ۴۷.....داستان دزد آرامگاه
- ۵۱.....داستان اورلاندو مجنون عشق
- ۵۹.....داستان استولفو روی ماه
- ۶۷.....تمام داستان‌های دیگر
- ۷۹.....میخانه‌ی سرنوشت‌های متقاطع
- ۸۱.....میخانه
- ۸۵.....داستان مرد مردد
- ۹۷.....داستان جنگلی که انتقام می‌گیرد
- ۱۰۵.....داستان جنگ‌جوی نجات یافته
- ۱۱۵.....داستان پادشاهی خون‌آشام‌ها
- ۱۲۹.....دو داستان از جست‌وجو و گم کردن
- ۱۴۳.....من نیز تلاش می‌کنم داستانم را بگویم
- ۱۶۳.....سه داستان از جنون و ویرانی

## مقدمه‌ی نویسنده

از دو متن تشکیل‌دهنده‌ی این کتاب اولی، کاخ سرنوشت‌های متقاطع، نخستین بار سال ۱۹۶۶ در کتاب تاروت‌ها، دست ویسکونته<sup>۱</sup> برگامو و نیویورک فرانکو ماریا، در پارما منتشر شده است. تصاویری که متن را در نسخه‌ی پیش رو همراهی می‌کنند قصد یادآوری مینیاتورهای بازتولیدشده در رنگ و اندازه‌ی اصلی نسخه‌ی ریچی را دارند. دست تاروت‌هایی که بونیفیاکو بمبو حدود نیمه‌ی قرن ۱۵ برای دوک‌های میلان ریزنگاری کرده بود و حالا در آکادمی کارارا در برگامو قرار دارند. بعضی کارت‌های دست بمبو گم شده‌اند که دو کارت بسیار مهم برای روایت من: شیطان و برج نیز بین آن‌ها هستند. در نتیجه جایی که در متنم از این کارت‌ها نام برده می‌شود، نتوانستم شکل مطابق با آن‌ها را در حاشیه قرار دهم.

متن دوم، میخانه‌ی سرنوشت‌های متقاطع، با همان روش با دست تاروت‌هایی که امروزه در جهان متداول‌ترند (و به‌خصوص از دوران سوررنالیسم به بعد، اقبال ادبی گسترده‌ای داشتند) ساخته

شده است: تاروت کهن ماری، که بازتولید دستی است که نیکلاس کانور در سال ۱۷۶۱ در ماری چاپ کرده بود.

دست «ماری» چندان با تاروت‌هایی که هم‌چنان در قسمت بزرگی از ایتالیا به عنوان کارت‌های بازی استفاده می‌شود، متفاوت نیست؛ اما در حالی که در هر کارت دست‌های ایتالیایی تصویر از وسط بریده شده و به صورت وارونه تکرار می‌شود، هر تصویر مربع کامل بودنش را در کنار زحمتی و رازآلودی‌اش حفظ می‌کند که منحصرأ برای کار داستان‌سرایی که مبتنی است بر تصویرهایی با قابلیت تفسیرهای متفاوت مناسب است.

نام‌های فرانسوی و ایتالیایی خال‌های بزرگ تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند: *خانه‌ی خدا* را برج می‌نامیم، قضاوت فرشته است، *معشوقه*، عشق یا عشاق، ستاره به صورت جمع و ستاره‌ها. من بر حسب اتفاق از این یا آن فهرست لغات پیروی کردم. (*لو تیلو و ایل بگتتو* در هر دو زبان نام‌هایی با ریشه‌های مبهم هستند و تنها معنی قطعی آن‌ها برای هر دو تاروت شماره‌ی یک است.)

ایده‌ی به‌کارگیری تاروت‌ها به عنوان ماشین روایت‌گرا از پائولو فابری به ذهنم رسید که در جولای ۱۹۶۸ در اوربینو در سمیناری با نام «سمینار بین‌المللی درباره‌ی ساختارهای روایت»، بین روایت *فال ورق* و زبان تمثیل رابطه‌ای به دست می‌داد. تحلیل عملکرد داستان‌سرایی کارت‌های غیب‌گویی مقدماتی در کتاب‌های *اسلوب نشانه‌شناسی ساده* و *گونه‌شناسی درهم‌تنیده* (ترجمه‌ی ایتالیایی با عنوان *اسلوب نشانه‌ها* و ساختارگرایی شوروی، رمو فکانی و امبرتو اکو، انتشارات بومپانی، میلان ۱۹۶۹) نوشته‌ی M.I. Lekomceva و B.A. Uspenskij داشت. اما نمی‌توانم بگویم کار من از حمایت روش‌شناختی این تحقیقات بهره برده است. از

آن‌ها بیش از همه این ایده را گرفتم که معنی هر کارت مجزا به جایگاه آن کارت در دنباله‌ی کارت‌هایی وابسته است که از پیش و پسش می‌آیند؛ با شروع کردن از این ایده، مطابق نیازهای درونی در متنم، خود را در جایگاه رفتار مستقل قرار دادم. فکر نمی‌کنم کتاب‌شناسی بسیار وسیع، کارت‌خوانی و تفسیر نمادین تاروت‌ها، با وجود ایجاد آشنایی، تاثیر زیادی روی کارم گذاشته باشد. خود را وادار کردم تا بیش از هر چیز با دقت به تاروت‌ها نگاه کنم، با چشم‌های کسی که نمی‌داند چه هستند و پیشنهادات و ارتباطاتی برداشت کنم و بر حسب شمایل‌شناسی<sup>۱</sup> تخیلی تفسیرشان کنم.

با تاروت‌های ماری شروع کردم، با تلاش بر این‌که طوری بچینم‌شان که خود را مانند صحنه‌های پشت سر هم داستانی تصویرنگارانه<sup>۲</sup> نشان دهند. وقتی کارت‌هایی که اتفاقی کنار هم قرار گرفته بودند داستانی به من می‌دادند که در آن حسی باز می‌افتم، شروع به نوشتنش می‌کردم؛ به این ترتیب داده‌هایی می‌اندوختم؛ می‌توانم بگویم قسمت زیادی از میخانه سرنوشت‌های متقاطع در این مرحله نوشته شد؛ اما نمی‌توانستم کارت‌ها را در ردیفی که شامل روایات متعدد است قرار دهم، پی‌درپی نظم بازی، ساختار کلی و تفسیرهای داستانی را تغییر می‌دادم.

در شرف تسلیم‌شدن بودم که فرانکو ماریا ریچی ناشر از من دعوت کرد تا برای کتاب متنی درباره‌ی تاروت‌های ویسکونتی بنویسم. در آغاز فکر می‌کردم از مقالاتی که قبلاً نوشته شده‌اند استفاده کنم، اما به سرعت متوجه شدم که دنیای مینیاتورهای قرن چهاردهم کاملاً با تاروت‌های ماریسیلیایی متفاوت است.

۱- آیکونولوژی.

۲- پیکتوگرام.